

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالصَّلَاةُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ وَ لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى أَعْدَائِهِمْ أَجْمَعِينَ إِلَى يَوْمِ الدِّينِ.

مروری بر کتاب شریف سرالصلاة امام خمینی قدس سره ۱۴

وصف نماز سالک و ولی کامل

همتم بدرقه راه کن ای طایر قدس که دراز است ره مقصد و من نو سفرم

در دیدگاه حضرت امام خمینی (ره)، نماز که سرمایه سعادت عالم آخرت و وسیله زندگانی روزگارهای غیرمتناهی است. [آداب الصلوة، ص ۴۵]، در میان اسماء الهی به منزله اسم اعظم و بلکه خود اسم اعظم است « [آداب الصلوة، ص ۹] . نماز در میان عبادات به مثابه مسافر و طریق سفر است؛ (سفر معراج پیامبر اسلام ص). امام خمینی (ره) مراحل اسفار اربعه عرفانی و احوال سالک و طریق وصول به حق را در طول حیات مسافر، به منزله یک رکعت نماز واقعی می‌داند؛ به طوری که توحید حقیقی که مقصد اصلی دعوت پیامبران است در نماز محقق می‌شود.

هرگز حدیث حاضر و غائب شنیده ای من در میان جمع و دلم جای دیگرست

امام راحل (ره) در بیان وصف نماز سالک و تفاوت آن با نماز ولی کامل می‌فرماید: « بر ارباب معارف الهیه روشن است که انسان سالک تا در سیر الی الله و سلوک الی جناب الله است، نماز و دیگر مناسکش با ولی کاملی که سیر را به آخر رسانده و به غایه القصوای عروج کمالی و معراج روحی معنوی رسیده، فرق بسیار دارد...» امام (ره) به برخی از این تفاوت‌ها به این بیان اشاره می‌کند که:

« سالک مادامی که در سلوک و سیر الی الله است نمازش براق عروج و رفرف وصول است. و پس از وصول، نمازش نقشه تجلیات و صورت مشاهدات جمال محبوب است... از قبیل سرایت حکم غیب به شهادت و ظهور آثار باطن به ظاهر است؛ چنانچه محققین از فلاسفه در خصوص تدبیر عالم عقلی نسبت به عالم مُلک (با آنکه عالی را توجّه به سافل نیست) فرمودند، تدبیرات آنها از این عالم تدبیر تبعی استجاری است؛ بلکه نزد اصحاب قلوب و ارباب معرفت، این تدبیرات نُسُک الهیه تابعه تجلیات اسماییه و صفاتیّه و ذاتیه است.»

شرح: (سالک مادامی که در سلوک و سیر الی الله است نمازش براق عروج و رفرف وصول است). تعبیر امام راحل (ره): نماز، مرکب سلوک و براق سیر الی الله (اسبی است که پیامبر را به معراج رساند) است. [اسرار نماز،

ص ۷] و یا این‌که: رفرع عروج اهل معرفت (نام یکی از دو اسب پیامبر اکرم(ص) در شب معراج) ، نماز است.[اسرار نماز، ص ۶]، به این حقیقت اشاره دارد که: خداوند متعال همان گونه که پیامبر خود را به معراج قریب برد و حقایق ملک و ملکوت را به او شناساند، حضرت آدم (علیه السلام) و همه فرزندان او را که دورافتادگان از عالم قدس اند به واسطه نماز به محضر انس خویش فراخواند.

حق همی گوید: چه آوردی مرا؟ اندرین مهلت که دادم من تو را

به بیان دیگر: پس از آن که حضرت آدم و حوا (علیهما السلام) از جوار پروردگار به عالم خاک هبوط کردند، یزدان مهربان دریچه ذکر خویش را به روی آدم و حوا گشود و مرکبی فراهم کرد تا آنان این فاصله را با مراتب و منازلش از مبدأ طبیعت تا مقصد قرب الهی بپیمایند؛ این مرکب رهوار نماز است که در بین عبادات و مناسک الهیه، سمت جامعیت و عمودیت دارد. [آداب الصلوة، ص ۹]؛ راز این جامعیت را پیامبر(ص) چنین توضیح می‌دهد: «**لان الصلاة تسبیح و تهلیل و تحمید و تکبیر و تمجید و تقدیس و قول و دعوة**».[بحارالانوار، ج ۸۲، روایت ۵۶ باب ۱، ص ۲۳۱]. « زیرا نماز هم تسبیح است و هم تهلیل و هم ستایش و هم تکبیر و هم تقدیس و هم گفتار است و هم خواستن». البته باید عنایت داشت که هر کس از اهل سیر و سلوک الی الله، نمازی مختص به خود او و به حسب مقامش، حظ و نصیبی مختص به خود دارد،[اسرار نماز، ص ۶].

دلّم از مدرسه و صحبت شیخ است ملول ای خوشا دامن صحرا و گریبان چاکی

امام خمینی (ره) معتقد است که اگر عارفی ربانی مهلت یابد، می‌تواند تمام منازل سائرین و معارج عارفین را از منزلگاه یقظه تا اقصای منزل توحید از نماز، (این معجون الهی و حبل متین بین خلق و خالق)، استخراج کند.[اسرار نماز، ص ۵۷]. بنابراین حقیقت نماز عبارت از سفر الی الله و فی الله و من الله است [اسرار نماز، ص ۱۱۸]. نماز حصول معراج حقیقی و قرب معنوی و وصول به مقام فنای ذاتی است (البته در سجده دوم، فنای از فنا است) و در اذکار نماز هم به مخاطبه حضوری حاصل می‌شود مانند: «ایاک نعبد» همان‌طور که برداشتن سر از سجده تا سلام که علامت ملاقات و مراجعت از سفر است، (یعنی رجوع به کثرت، ولی با سلامت از حجب کثرات و بقای به حق)، همین معنا در اذکار «اهدنا الصراط المستقیم» به صورت رجوع به خود (حصول صحو بعد المحو) تحقق می‌یابد. و در نهایت با اتمام رکعت، سفر تمام می‌شود؛ چرا که اصل نماز تنها یک رکعت است.[اسرار نماز، ص ۱۵]. و به مطابقت با مسلک توحید، بقیه رکعات (از فرائض و نوافل) برای اتمام همان یک رکعت است.[اسرار نماز، ص ۱۶]. که توحیدات ثلاثه را در خود دارد؛ اهل معرفت، قیام را در این یک رکعت،

اشاره به توحید افعالی، رکوع را اشاره به توحید صفاتی و سجود را اشاره به توحید ذاتی می‌دانند. [آداب الصلوة، ص ۱۴۶]

امام خمینی (ره) در چگونگی تحقق این یک رکعت می‌فرماید: «... نماز که معراج مؤمن و مقرب اهل تقوی است، متقوم به دو امر است که یکی، مقدمه دیگری است. اول: ترک خودبینی و خودخواهی که آن حقیقت و باطن تقوی است و دوم: خداخواهی و حق طلبی که حقیقت معراج و قرب است.» [آداب الصلوة، ص ۳۵۰] در واقع این سفر دو رکن دارد: اول: رسیدن به مقام طهارت، دوم: رسیدن به مقام فنا در نماز. که شرط اساسی آغاز این سفر نیز دور شدن از نجاست های ظاهری و باطنی و به ویژه رذایل باطنی است.

خون پلید است و به آبی می رود لیک باطن را نجاست ها بود

کان بغیر لطف آب کردگار کم نگردد از درون مرد کار

امام راحل (ره) در تعریف باطن نجاست (که دوری از آن لازمه سفر است) می‌فرماید: نجاست، دوری از محضرانس و مهجوری از مقام قدس و منافی با نمازی است که معراج وصول مؤمنین و مقرب ارواح متقین است. [اسرار نماز، ص ۱۴]. ... بیان دیگر این دو رکن، اول: خروج از منزلگاه و بیت نفس و رکن دوم: حرکت الی الله و وصول به باب الله و فنای به فناء الله است. [اسرار نماز، ص ۸۵]. بنابراین، انسان برای این که سفر معنوی را آغاز کند، باید به «مقام طهارت باطن» برسد.

روی ناشسته، نبیند روی حور لا صلوة گفت الا بالطهور

«پس از وصول (سالک)، نمازش نقشه تجلیات و صورت مشاهدات جمال محبوب است... از قبیل سرایت حکم غیب به شهادت و ظهور آثار باطن به ظاهر است؛ چنانچه محققین از فلاسفه در خصوص تدبیر عالم عقلی نسبت به عالم ملک (با آنکه عالی را توجه به سافل نیست) فرمودند، تدبیرات آنها از این عالم تدبیر تبعی استجاری است؛ بلکه نزد اصحاب قلوب و ارباب معرفت، این تدبیرات نُسُک الهیة تابعه تجلیات اسماییه و صفاتیّه و ذاتیّه است»

ما را کجا به کوی تو ممکن شود وصول کآنجا خیال را نبود قدرت نزول

شرح: امام راحل (ره) می‌فرماید: سالک تا سالک خوانده می‌شود، عبادت به او منسوب است؛ یعنی: عبادت از عبد محقق می‌شود، اما وقتی به مقصود رسید و واصل شد، تحقق عبادت به حق منسوب می‌شود و این است

معنی انقطاع عبادت پس از وصول [اسرار نماز، ص ۸۰] و نیز درباره نماز واصل به حق می‌فرماید: به طور کلی آنان که مستغرق در مشاهده جمال جمیل معشوق می‌شوند، به صورت عینی تجلیاتی برایشان حاصل شود که حرکاتی شوقی در باطن قلب آن‌ها پدید می‌آید که سبب ایجاد آثاری در طبیعت و ملک وجودشان می‌شود؛ به نحوی که آن آثار به مناسبت کیفیت تجلیات، مطابق با یکی از مناسک و عبادات است که با توجه مستقیم و از روی تدبیر او بوجود نیامده است (توجه استقلالی به کیفیت هیچ یک از آن‌ها برای انجام دادنشان ندارد)، در عین حال، هیچ جزیی یا شرطی از آداب صوریه و شرعی آن تغییر نکرده، کم و زیاد نمی‌شود. (یعنی این تدبیرات برای انجام مناسک الهیه، تابعه تجلیات اسمائیه و صفاتی و ذاتیه است) [اسرار نماز صص ۱۲-۱۳].

امام خمینی (ره)، احوال و افعال پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم)، را که سر سلسله واصلان و مجذوبان حق تعالی است، معیار صحت حالی و ظاهری نماز می‌داند. براین اساس هر گونه نمازی غیر از نماز مورد نظر اسلام و پیامبر (ص) و یا هر گونه حال و حالتی غیر از حالات آن حضرت را، رد کرده، می‌فرماید: اگر غیر از این اوضاع و احوال که برای حضرت مجذوب حقیقی و واصل واقعی، جناب رسول ختمی (صلی الله علیه و آله و سلم) در این مکاشفه روحانیه و معاشقه حبیبانه (نماز) دست داد، یا حال و اوضاع دیگر پدید آمد، از تصرفات شیطان است و سالک در سلوک خود، دچار انانیت و خودیت شده و نشان دهنده این است که هنوز بقایایی از خودی در او مانده و باید علاج شده، طریق ضلالت را رها کند، در نتیجه آن نمازی که به بعضی عرفا، نسبت می‌دهند که به آن نماز سکوت می‌گویند (بر فرض صحت نسبت)، از جهل آن کسی است که این معجون بی معنی را درست کرده است. بالجمله کشفی اتم از کشف نبی ختمی صلی الله علیه و آله و سلم و سلوکی اصح و أصوب از آن نخواهد بود، پس ترکیبات بی حاصل دیگر را که از برخی مغزهای بی خرد مدعیان ارشاد و عرفان است، باید رها کرد. [اسرار نماز، صص ۱۳-۱۴].

زندگی را نتوان گفت حیاتی که مراست زنده آنست که با دوست و صالی دارد

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ